

در باغ گلی زیبا هفتاد و دو تا گل بود
بالای سر گل ها پروانه و بلبل بود
این سوسن و این نسرین این لاله و این سنبل
صدها عجب است اما بنگر به بیابان بود
جای گل ما گل داد یا اینکه به گلدان است
اما گل ما تنها با خار بیابان است
طوفان شنی آمد گل در غم و در خون شد
پروانه به خون غلطید صحرا همه گلگون شد
از غصه و از ماتم گویا پر بلبل ریخت
پروانه ز دنیا رفت برگ گل سنبل ریخت
بلبل به سفر می رفت از باد خزان می گفت
از ناله و از غصه از رفتن جان می گفت
زینب که چنین میگفت از پر زدن شادی
از ترس حسینش گفت از عشق از آزادی